



۳ صفحه ضمیمه نوجوان روزنامه

www.qudsonline.ir

یکشنبه ۲۲ اسفند ۱۳۹۵ | ۱۳ جمادی الثانی ۱۴۳۸ | ۱۲ مارس ۲۰۱۷



نامه‌ات همین الان رسید

در بسته خبری بخوانید

افشاکری جدید ویکی لیکس دست‌های یکی یکی رومی شود یک نویسنده، ترامپ را مسخره کرد



با الهام از فرزندان دوم و سوم دهنی ۲۳ صفحه سپارید... قرار است... هشتاد

هشت روایت از زندگی ام‌البنین (س)، مادر چهار شهید کربلا

مادران‌های عباس عاشقانه‌های علمدار

فاطمه نیک

یک نیزه شکسته دیگر

بشمار! یک نیزه شکسته دیگر غنیمت پیروزی فاطمه! با این پیروزی یک خواستگار دیگر هم حذف شد. دیگر مردی در قبیله بنی‌کلاب نمانده که حریف دخترت بشود. می‌دانم که نگران همسر فاطمه نیستی. رؤیای صادقه او بالاخره تعبیر می‌شود. با این همه من از سرنوشت این دختر شمشیر به‌دست می‌ترسم. روزگار همیشه در کمین قلب‌های شجاع و سرهای نترس است. خاصه اگر این قلب در سینه زنی زیبا و بلندقد باشد.

یک بیت دیگر در ستایش صحرا!

بشمار! یک بیت دیگر در ستایش صحرا! می‌دانی چه کسی زیباتر از یک مرد عرب صحرا را توصیف می‌کند؟ دختری عرب که استخوان‌هایش از نیزه، اما خونتش از شعر است. دختری مثل فاطمه دختر حزام از قبیله بنی‌کلاب. به‌نظرت بهترین شعرش را کی خواهد سرود؟ روزی که زنی کامل شود؟ آن‌روز که همراهش را بیابد چطور؟ آن‌وقت که رؤیای صادقه‌اش تعبیر شود چگونه؟ شاید بهترین شعرش را روزی که داغدار داغ بزرگی بود بسراید. آنقدر بزرگ که دشمنانش هم به گریه بیفتند.

بشمار! یک نیزه شکسته دیگر غنیمت پیروزی فاطمه! با این پیروزی یک خواستگار دیگر هم حذف شد. دیگر مردی در قبیله بنی‌کلاب نمانده که حریف دخترت بشود

چقدر خاک سرش ریخته است، معلوم است رسانده است به خانم کسی خبرها را

من از سرنوشت این سفر می‌ترسم

بشمار! شصت سال! حالا همه او را می‌شناسند. سال‌ها بود که ام‌البنین صدایش می‌زدند. او همسر علی علیه‌السلام بود، مادر پسران! اما مدتی بود که پسرانش از او دور شده بودند. شاید سه‌ماه می‌شد که حسین علیه‌السلام و چهار فرزند دیگرش از مدینه به سمت عراق رفته و هنوز بازنگشته بودند. می‌دانی سه‌ماه دوری یعنی چه؟ گاه یک قدم دوری می‌تواند تو را برای همیشه از عزیزت دور کند، سه‌ماه که جای خود دارد. می‌دانی؟ من از سرنوشت این سفر می‌ترسم، به‌خصوص که مقصدش کربلا باشد.

داغ‌های بزرگ و نوحه‌های سوزناک

بشمار! یک پسر دیگر هم شهید شد! با این شد چهار پسر! می‌دانی؟ من از شنیدن آخرین نام می‌ترسم. نام هر پسر را که می‌آوردند، ام‌البنین می‌گوید: «از امام حسین بگو. پسران من و آنچه زیر آسمان است، فدای ابا عبدالله.» کم‌کم نوبت نام حسین می‌رسد. کسی مراقب رگ‌های قلب ام‌البنین باشد. گفته بودم که من از سرنوشت قلب‌های بزرگ و سرهای سرخ می‌ترسم. نامش ام‌البنین بود، اما دیگر نه نامی داشت و نه پسری. هرروز در لباس عزا دست عبدالله فرزند عباس را می‌گرفت و به بقیع می‌رفت و برای امام و پسران شهیدش نوحه می‌خواند. می‌دانی؟ همه تصور می‌کردند که داستانش تمام شده است. اما من از سرنوشت این عزا می‌ترسم. می‌دانی؟ داغ‌های بزرگ و نوحه‌های سوزناک، سرنوشت متفاوتی دارند.

همان‌طور که خواب دیده بود

بشمار! یک تولد دیگر! با این می‌شود چهار پسر! نامش ام‌عباس بود، اما بنا نبود مادر یک پسر باقی بماند. شد ام‌البنین، مادر پسران! خوابش تعبیرش شد. هنوز صدای مادرش را می‌شنود. «مژدگانی بده فاطمه! با مردی بزرگ ازدواج می‌کنی و صاحب چهار فرزند نورانی خواهی شد.» نامش فاطمه نماند، شد ام‌البنین مادر پسران؛ همان‌طور که خواب دیده بود.

نامش عباس است

بشمار! یک تولد تازه! همه می‌خندند جز علی! نامش عباس است پسر علی، فرزند فاطمه! بهتر است بگویم فرزند دو فاطمه! عباس پسر فاطمه دختر رسول خدا و عباس پسر ام‌عباس! می‌دانی نامش دیگر فاطمه نیست؟ به او می‌گویند ام‌عباس! تا فرزندان فاطمه دختر پیامبر، آزرده‌خاطر نشوند. بشمار! یک تولد دیگر! همه می‌خندند جز علی. او هم چون من از سرنوشت این کودک می‌ترسد!

نذر مادر علمدار

بانوی لحظه‌های وداع

شما هوای برادر و خواهرهایت را داشته باش، خصوصاً زینب (س) و حسین (ع) را می‌گویم. بانو! کلمات کم‌آمدند وقتی از تابوت تیرباران شده حسن (ع) خون تازه می‌جوشید. آن روز عباس خواست دست به قبضه شمشیر ببرد اما این بار هم صدایش زدید و گفتید: مادر جان وصیت پدرت علی یادت نرود، مراقب خواهر و برادرت باش زینب (س) و حسین (ع) را می‌گویم... بانو کربلا نبودید اما اگر آنجا هم بودید کلمات کم می‌آمدند اگر می‌خواستیم مادرانگی‌هایتان را تعریف کنیم. آنجا نبودید اما حسین (ع) کار نیمه‌تمام

وداعی، بانوی ثانیه‌های بی‌قراری، شما عمود بیرق علمدارید ایستاده و بی‌قرار، بانوی نیزه‌های بر قلب فرود آمده. یادتان می‌آید آن شبی که گفتند همسران توی مسجد کوفه فرقتش شکافته است؟ یادتان هست عمایه غرق به خون علی (ع) را... یادتان می‌آید دوزانو نشستید روی زمین؟ یادتان می‌آید بی‌صدا گریه می‌کردید؟ چه کسی حال شما را فهمید؟ چه کسی فهمید حال زنی که پیشانی همسرش شکافته است. بانویی که باید هم صورت رنگ پریده همسرش را می‌دید و هم فرزندان که در کنار بستر پدر همچو شمع لحظه‌لحظه آب می‌شدند. سخت بود. اما بلند شدید و رو به عباس گفتی: «مادر جان

محمد عکاف | بانو! می‌دانم گفتن از شما کار سختی است. کلمه‌ها برای توصیف شما کم می‌آیند و واژه‌ها تمام می‌شوند. می‌دانید چرا کلمات کم می‌آیند؟ می‌دانید چرا جمله‌ها ناقص می‌شوند؟ می‌خواهم از صبرتان بگویم، صبر واژه کوچکی است که در مقام شکیبایی تان گم شده است. شکیبایی به گرد پای اینارتان نمی‌رسد. اینارت خجالت‌زده فداکاری شماست و فداکاری در پس شجاعتان رنگ‌باخته است... بازهم کلمات کم می‌آیند. هزار و چند صد سال است که کلمه‌ها در برابر شما تمام شده‌اند دختر حزام...! شما بانوی لحظه‌های





اکران فیلم سینمایی «جشن تولد» همچنان ادامه دارد

تولد در روزها

جنگ

نعیمه موحد | هر چقدر فیلم‌هایی هستند که با موضوعات تکراری در سینمای ایران ساخته می‌شوند اما بعضی موضوعات هستند که حتی یک فیلمساز هم به سراغ آن‌ها نمی‌رود، تا اینکه وقتی یک نفر آن سوژه را برای فیلمش انتخاب می‌کند، عجیب به نظر می‌آید. مدت‌هاست که همه می‌دانیم در سوریه بین نیروهای نظامی این کشور و گروه‌های جنایتکاری مثل داعش و تکفیری‌ها (گروه‌هایی که به نام دین اسلام جنایت می‌کنند) جنگ است؛ جنگی که نیروهای ایرانی در آن به‌خاطر دفاع از مردم مسلمان سوریه و جلوگیری از قدرت گرفتن نیروهای جنایتکار دخیل هستند و ما در این راه حتی شهیدانی هم به اسم «مدافعین حرم» (حرم حضرت زینب(س) در شهر سوریه) داده‌ایم. حالا بعد از این همه سال، یک خانواده سوری که اسیر جنایت تکفیری‌ها هستند و آشنایی‌شان با خانواده‌های ایرانی، موضوع یک فیلم سینمایی به اسم «جشن تولد» شده است.



داستان چیست؟

جشن تولد، داستان یک خانواده شیعه و اهل کشور سوریه است. داستان از شب تولد دختر این خانواده به اسم «رقیه» شروع می‌شود؛ جشن تولدی که با حمله تکفیری‌هایی که به شهر دمشق و محل مرقد حضرت زینب(س) وارد شده‌اند، به هم می‌ریزد. اگرچه نیروهای ایرانی مستقر در سوریه این خانواده را از دست تکفیری‌ها نجات می‌دهند، اما چون شهر دمشق در محاصره است، خانواده داستان به همراه همسایه‌شان که اهل سنت است، به سمت حرم حضرت زینب(س) که یک مکان امن است و نیروهای ایرانی به‌همراه دیگر نیروهای مدافع حرم از آن مراقبت می‌کنند، می‌روند. آن‌ها در این مسیر با زائران ایرانی آشنا می‌شوند. زائرهای ایرانی رزمنده زمان جنگ ایران و عراق هستند و همراهی این آدم‌ها و رفتنشان به یک کلیسا در شهر دمشق اتفاقات این فیلم را رقم می‌زند.

سفارشی‌سازی نیستیم

یک اصطلاح نه‌چندان درست بین اهالی سینما وجود دارد به اسم سفارشی‌سازی؛ وقتی یک نهاد خاص به یک کارگردان پیشنهاد می‌دهد که درباره موضوعی خاص فیلم بسازد و معمولاً هزینه آن را هم پرداخت می‌کند یا از فیلم حمایت می‌کند، می‌گویند این کار سفارشی است. بخشی از فعالان سینمای ایران فیلم‌های سفارشی را بدون ارزش می‌دانند و به آن لقب بی‌اهمیت می‌دهند. جدای از اینکه این موضوع چقدر درست است، و چرا اکثراً به فیلم‌هایی که موضوعات دینی و ملی دارند این عنوان گفته می‌شود و اینکه آیا این بخش منتقد به سفارشی‌سازی، خودشان هیچ‌وقت کار سفارشی انجام داده‌اند یا نه؟ کارگردان‌ها معمولاً سعی می‌کنند برای بهتر دیده شدن فیلمشان و قضاوت نشدن قبل از دیده شدن، برچسب سفارشی بودن را از روی فیلمشان بردارند. برای همین هم آقای «عباس لاجوردی» کارگردان فیلم «جشن تولد» بارها تأکید کرده که فیلمش سفارشی نیست، هزینه آن به‌صورت خصوصی توسط اسپانسر (حمایت‌کننده) پرداخت شده و هیچ نهاد دولتی موقع ساخت فیلم از آن حمایت مالی و معنوی نکرده است.

دعوت به خرید کالای ایرانی

ستاره اسکندری، بازیگر معروف سینما و تلویزیون از مردم دعوت کرد از کالای ایرانی حمایت کنند. البته تأکید او بیشتر روی پوشاک ایرانی بود و گفت: «پوشاک یک هویت ملی است و حمایت از طرح‌های ملی که ترکیبی از شخصیت و محلیت افراد است، علاوه بر رونق اقتصاد داخلی این صنعت، در سطح دنیا هم بازتاب زیادی خواهد داشت.»

جشنواره جهانی فجر اردیبهشت ماه

بعد از پایان جشنواره فجر در بهمن ماه، مسئولان و هنرمندان در تدارک برگزاری جشنواره جهانی فجر هستند که برای دومین سال از جشنواره فیلم فجر جدا شده است. به همین خاطر آقای صالحی‌امیری، وزیر ارشاد با دبیران و مدیران این برنامه دیدار کرده است. دبیری این جشنواره را که یکم تا هشتم اردیبهشت‌ماه سال بعد برگزار می‌شود، کارگردان معروف آقای رضا میرکریمی برعهده دارد.



افشاگری جدید ویکی لیکس دست‌ها، یکی یکی رو می‌شود

یکی از ابزارهای جاسوسی سیا به نام «فرشته گریان» به تلویزیون‌های هوشمند سامسونگ نفوذ می‌کرده است؛ به طوری که وقتی این تلویزیون‌ها خاموش هستند، تمام مکالمات افراد خانواده از طریق تلویزیون ضبط و برای سیا فرستاده می‌شده است. ژولیان آوانس روزنامه‌نگار و برنامه‌نویس کامپیوتر و مؤسس سایت ویکی لیکس است. به‌خاطر فعالیت‌های این سایت و خودداری از افشای منابع به دولت‌هایی که به‌خاطر افشاگری‌های ویکی لیکس ضرر کرده‌اند، آوانس مدت‌هاست در خانه‌ای در کشور سوئیس بازداشت است و هرازگاهی هم بازجویی می‌شود. خود آوانس قبل از اینکه برنامه‌نویس کامپیوتر بشود، یک هکر بوده است. او می‌گوید هدفش از این کار شفاف کردن عملکرد دولت‌هاست. اگرچه آوانس تا الان هم حاضر نشده خیلی از منابعش را افشا کند، اما بعضی‌ها بازداشت او را غیرقانونی و کاری خودسرانه از طرف دولت‌هایی که ضرر دیده‌اند می‌دانند.

ویکی لیکس یک سازمان بین‌المللی است که در قالب سایت، درباره مسایل مختلف ولی معمولاً سیاسی، افشاگری می‌کند. منابعی که رمز و راز اتفاقات سیاسی مختلف در دنیا را فاش می‌کند، از طرف این سایت و گردانندگان آن نامشخص هستند و همین موضوع هم برای مؤسس آن دردهایی درست کرده است. حالا «ویکی لیکس» در جدیدترین افشاگری‌اش رازهایی از آوانس اطلاعات مرکزی آمریکا یا همان جایی که معمولاً به اسم «سازمان سیا» و یک سازمان جاسوسی می‌شناسیم، افشا کرده است. «ویکی لیکس» گفته اسنادی به‌دست آورده که نشان می‌دهد سازمان جاسوسی سیا به روش‌های مختلف از تلویزیون، گوشی‌های موبایل و خودروها برای سرقت اطلاعات شهروندان آمریکایی استفاده می‌کرده است. در این اسناد آمده که سیا آنقدر در جاسوسی از شهروندان از سیستم‌های پیشرفته استفاده می‌کرده که حتی کاری از نرم‌افزارهای ضدویروس روی وسایل الکترونیکی مردم هم ساخته نبوده است.



مهر یک نویسنده، ترامپ را مسخره کرد

«استیون کینگ» نویسنده آمریکایی که آثار پر فروش دارد، در پست‌هایی در شبکه اجتماعی توئیتر، ترامپ را مسخره کرد. او در واقع ادعای جدید ترامپ که بدون هیچ مدرکی، اوپاما را به شنود دفاتر انتخاباتی‌اش متهم کرده بود، مورد انتقاد قرار داد. این روزها هنرمندان و خیلی از افراد سرشناس آمریکایی دیگر با روش تمسخر از رئیس جمهور کشورشان انتقاد می‌کنند.



لیسنا کاپیتان پرسپولیس، ماندنی شد

سیدجلال حسینی، مدافع و کاپیتان سرخپوشان که یکی از عوامل صدرنشینی شاگردان برانکو است، قراردادش را با این باشگاه یک فصل دیگر تمدید کرد. سیدجلال حسینی که دومین دوره حضور خود در پرسپولیس را سپری می‌کند، سومین بازیکن پرسپولیس است که قراردادش را با سرخپوشان تمدید می‌کند. قبل از او بیرانوند و محمد انصاری قراردادهای جدیدشان را امضا کرده بودند.



تسلیم انتخابات تمام الکترونیک نداریم

سال‌هاست که قرار است انتخابات در کشور ما به‌صورت الکترونیکی و بدون نیاز به برگه رأی انجام بشود، اما حدود سه‌ماه مانده به انتخابات ریاست جمهوری در خرداد ۱۳۹۶، سخنگوی شورای نگهبان اعلام کرد که انتخابات تمام الکترونیکی برگزار نمی‌شود. آقای کدخدایی گفت: «در حال حاضر شورای نگهبان فقط با پیشنهاد وزارت کشور برای تشخیص هویت الکترونیکی رأی‌دهندگان برای انتخابات ریاست جمهوری سال آینده موافقت کرده است.»



پانا مدرسه‌ها نباید زود تعطیل شوند

مدیر کل آموزش و پرورش خراسان جنوبی با اشاره به روزهای پایانی سال گفت: «تعطیلی زودتر از موعد مدارس کوتاهی در انجام وظیفه است.» آقای عباس لامعی اضافه کرد: «با مدیران متخلفی که پیش از موعد و قبل از اعلام دولت و وزارت آموزش و پرورش مدارس را تعطیل کنند، برخورد می‌شود.»



مهر ارتش سوریه به داعش نزدیک‌تر شد

فرمانده ارتش سوریه اعلام کرد که نیروهایش برای اولین بار در ۴ سال گذشته به رودخانه ساحل فرات، جایی که در اشغال داعشی‌ها بود، رسیده‌اند و ۱۵ کیلومتر از رودخانه را هم تصرف کرده‌اند. به‌گفته ژنرال رادسکوی طبق قوانین بین‌المللی ارتش سوریه حملات هوایی خود به داعشی‌ها و تروریست‌ها در این کشور را هم آغاز کرده است.



فیلم نامه مستند

داستان فیلم سینمایی «جشن تولد» از روی خاطرات کارگردان که زمانی در کشور سوریه بوده، نوشته شده است. در حقیقت فیلم نامه خاطرات آقای لاجوردی است و حالتی مستندگونه دارد. برای همین هم سازندگان فیلم سعی داشتند یک مستند بسازند، اما همین موضوع یکی از ضعف‌های اساسی فیلم شد؛ طوری که تلاش برای حفظ مستند بودن آن باعث شد فیلم تا حد زیادی از نظر مخاطب شعاری بشود. از آن طرف فیلم سعی کرده همه مفاهیمی که قصد گفتن آن را دارد، در ۹۰ دقیقه بگنجانند. در عین حال قسمت‌هایی از فیلم نامه به خاطر شرایط مالی نامناسب تیم فیلمسازی حذف شده و سرعت ساخت فیلم هم به خاطر اینکه وضعیت در سوریه جنگی و غیرقابل پیش‌بینی است، بیشتر از حد معمول بوده است. همه این‌ها دست به دست هم داده تا شخصیت‌ها و داستان تا حد زیادی به دل بیننده ننشینند و شعاری بودنشان توی ذوق بزند.

برگشته آقای عباس لاجوردی، قبل از شروع فیلم برداری، بخشی از عوامل با اصرار از او می‌خواستند که طرح این فیلم را در ایران فیلم برداری کنیم و با طراحی صحنه بهره‌مندی از جلوه‌های ویژه، فضای طنز سرپرا در یک استودیو بسازیم، اما این اصرار برای او قابل درک نبوده و تأکید داشتند که این فیلم حتماً باید در سوریه ساخته شود.

عباس لاجوردی که تجربه حضور در مناطق جنگی را دارد، قبلاً هم چند مستند درباره بحران در منطقه خاورمیانه (بخش عربی-آفریقای آسیا) و سوریه ساخته بود. نام یکی از این مستندها «شهرهای زمان» است.

فیلم سینمایی «جشن تولد» در بخش «نگاه نو» سی و چهارمین جشنواره فیلم فجر حضور داشت و این روزها در پایان سال ۱۳۹۵ به اکران عمومی رسیده است.

دلیل ساخت فیلم جشن تولد از زبان کارگردانش پی‌بردن به حقایق جنگ نابرابر در سوریه بوده است. لاجوردی می‌گوید: به این فکر رسیدم که باید برای اطلاع بیشتر مخاطبان و مردم، دست به تولید اثری سینمایی بزنم تا بتوانم مخاطبان بیشتری را با شرایط دشوار برادران و خواهران مسلمانشان در سوریه آشنا کنم.

FILM

وحدت میان ادیان

از اینکه خانواده اصلی داستان که شیعه هستند، با همسایه اهل سنت خود از منطقه در تیررس داعش خارج می‌شوند، با ایرانی‌ها آشنا می‌شوند و حتی اینکه برای فرار از کسانی که خود را مسلمان معرفی می‌کنند اما کافر و جنایتکار هستند، به کلیسا، محل عبادت مسیحیان پناه می‌برند، واضح است که فیلم می‌خواهد درباره وحدت مذاهب و ادیان با هم و اینکه باید دین واقعی را از کسانی که منحرف شده‌اند جدا کرد، صحبت می‌کند. به همین خاطر تهیه‌کننده فیلم آقای «مهدی فیوضی» می‌گوید که اولین مسأله ما در این فیلم، نشان دادن وحدت مردم و بسیج شدن آن‌ها مقابل دشمن بود و دومین مسأله، نمایش وحدت میان مذاهب مختلف.



تولید فیلم در کنار تکفیری‌ها!

شرایط فیلم‌برداری در کشوری که درگیر جنگ است و هر لحظه ممکن است در آن اتفاقی غیرقابل پیش‌بینی بیفتد، سخت است. آقای کارگردان می‌گوید: «همه صحنه‌های این فیلم سینمایی در سوریه و در مناطق پرخطر فیلم‌برداری شده است. شرایط سختی برای فیلم‌برداری داشتیم؛ مثلاً در بعضی از صحنه‌ها، گروه و عوامل تولید در ۴۰۰ متری تکفیری‌ها قرار داشتند. به‌خوبی به یاد دارم هنگام فیلم‌برداری برخی از صحنه‌ها، پرواز هواپیماها و جنگنده‌ها را از نزدیک می‌دیدیم. اما با وجود وحشت و وحشت‌زده می‌شدیم. اما با وجود وحشت زیادی که هنگام فیلم‌برداری در برخی از صحنه‌ها داشتیم، سعی کردیم تولید فیلم را به بهترین شکل ممکن انجام دهیم و اتفاقاً در این شرایط سخت، پلان‌های هوایی بسیاری از حرم حضرت زینب(س) فیلم‌برداری کردیم.» به گفته آقای عباس لاجوردی، قبل از شروع فیلم‌برداری، بخشی از عوامل با اصرار از او می‌خواستند که کل این فیلم را در ایران فیلم‌برداری کنیم و با طراحی صحنه و بهره‌مندی از جلوه‌های ویژه، فضای جنگی سوریه را در یک استودیو بازسازی کنیم، اما این اصرار برای او قابل درک نبوده و تأکید داشتند که این فیلم حتماً باید در سوریه ساخته شود.

کارگردان‌ها معمولاً سعی می‌کنند برای بهتر دیده شدن فیلمشان و وضوح نشان قبل از دیده شدن، برویج سفرشان برون را از روی فیلمشان بردارند. برای همین همه آقای «عباس لاجوردی» کارگردان فیلم «جشن تولد» بارها تأکید کرده که فیلمش سفرش نیست، هزینه آن به صورت خصوصی توسط ایشان (حمایت‌کننده) پرداخت شده و هیچ نهاد دولتی موافق ساخت فیلم آن حمایت مالی و حقوقی نکرده است.



جشن تولد

تهیه‌کننده: مهدی فیوضی / کارگردان: عباس لاجوردی / فیلمنامه نویسنده: محسن زمانی / بازیگران: مرتضی نورزی، عباس فاتح و انجمن سینمای انقلاب و دفاع مقدس / مشاور کارگردان: مهدی فیوضی / بازیگردان: احمد کاوری / بازیگران: علیرام نورانی - احمد کاوری - نادین خوری - علی صطوف - امیه قلص - ریمین سرمین - اوجا ابوالذهب - عبود عبدالله - ماسا زاهر / مدیر فیلمبرداری: فرهاد محمودی / مدیر تولید: حسان الموحّد / تدوینگر: مهدی نوری / آهنگساز: سعید ذهنی / صداکناری و میکس: محمد امامی و عرفان ابراهیمی / طراحی صحنه و لباس: علی مریبی / طراحی چهره پردازی: داریوش صالحیان / جلوه‌های ویژه میدانی: عظیم محمدی / جلوه‌های ویژه تصویری: محمدرضا امامی

جانشینان «جناب‌خان» در خندوانه

بالآخره خندوانه برای همیشه با عروسک «جناب‌خان» خداحافظی کرد و به جای او چهار عروسک دیگر جایگزین کرد. این عروسک‌ها چهار برادر هستند که از ۱۶ اسفند به خندوانه آمده‌اند. در ابتدای شروع سری جدید خندوانه، مالک معنوی عروسک جناب‌خان (کسی که برای اولین بار این عروسک را در صداوسیما معرفی کرد) مانع از حضور او در برنامه خندوانه شد.

«سه بیگانه» در نوروز

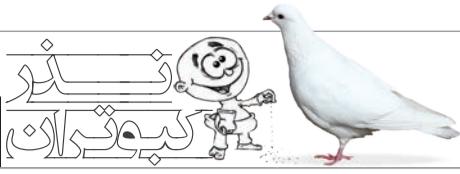
نمایش عمومی فیلم سینمایی «سه بیگانه» در ایام نوروز قطعی شد. این فیلم از ۱۸ اسفندماه روی پرده رفته است. ۵ فیلم دیگر هم برای نمایش در ایام تعطیلات عید نوروز توسط شورای صنفی نمایش انتخاب می‌شوند.

ایوبی رفت

هفته گذشته، آقای محمد مهدی حیدریان با حکم وزیر ارشاد به عنوان سرپرست سازمان سینمایی انتخاب شد. پیش از او حاجت‌الله ایوبی این سمت را داشت و استعفای ایوبی و انتصاب حیدریان ناگهانی و بدون مقدمه اتفاق افتاد. بعضی خبرهای غیررسمی می‌گویند احتمالاً استعفای ایوبی به ماجراهای عجیب داور در جشنواره سی و پنجم فجر و حواشی بعد آن بین سازمان سینمایی و هنرمندان ارتباط دارد.

تله تئاتر شهاب حسینی

شهاب حسینی، بازیگر پرطرفدار کشورمان، قرار است برای شبکه نمایش خانگی (فیلم‌هایی که از طریق دی وی دی‌های معتبر به فروش می‌رسند) یک تله تئاتر به اسم «خرده جنایات زن و شوهری» بسازد. به تئاترهایی که به صورت زنده برای مخاطب نمایش داده نمی‌شوند و به جای آن فیلم‌برداری می‌شوند، تله تئاتر می‌گویند. شورای پروانه نمایش خانگی مجوز ساخت این اثر را صادر کرده است.

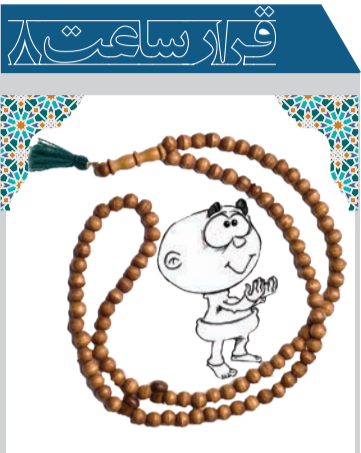
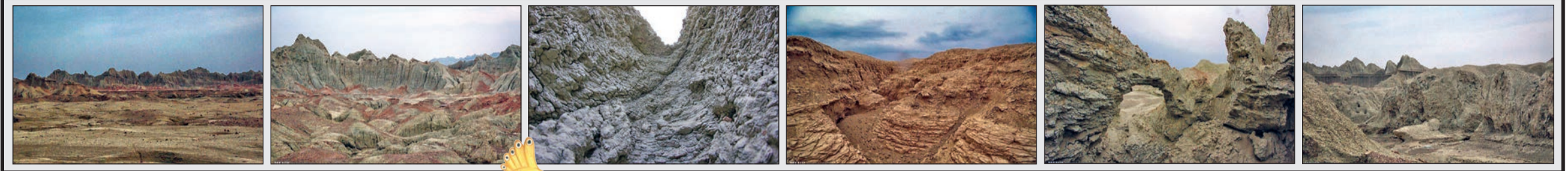


آواره صحرا و بیابان شده‌ام
سودازده طره جانان شده‌ام
همراه فرشتگان و جبرئیل امین

جارو کش کعبه خراسان شده‌ام
این معجزه پنجره فولاد رضاست
امروز اگر اهل و مسلمان شده‌ام

نمایشگاه

۳۵ کیلومتر از چابهار به سمت بندر گواتر، کوه‌هایی دیده می‌شود که به کوه‌های مینیاتوری یا مریخی و در زبان محلی به «کالانی» یا «آریا» معروف هستند. کوه‌هایی که شبیه کوه‌های کره مریخ است.



الهی کیست این که تماش برگرزیده‌ای و
خوشید را بر شاه‌ناش و ماه را بر پهنای
صورتش گماریده‌ای؟ کیست آن که زمین
چرخیدن خویش را از یاد برده و گرداگرد او
به سلام ایستاده است!
بارها! خوشا به حال آنان که تو را برگزیدند
و برگزیده شدند و تو را دیدند و دیده
شدند.
الهی! به باغ تنم به وقت برگریزان دست
عافیت بکش و مگذار بسوزم در این
شعله‌های بی‌امان بی‌قراری و درد.
الهی! زلال کن در رگ‌هایم زندگی را و
جاری کن در تنم بهار را و مرا در آغوش
بگیر به وقت سقوط.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَعَافِي عَافِيَةً
كَافِيَةً شَافِيَةً عَافِيَةً نَافِيَةً، عَافِيَةً تَوَلَّدُ فِي بَدَنِي
الْعَافِيَةَ، عَافِيَةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.
وَ امْنُنْ عَلَيَّ بِالصَّخَةِ وَالْأَمْنِ وَالسَّلَامَةِ فِي
دِينِي وَبَدَنِي، وَ الْبَصِيرَةِ فِي قَلْبِي، وَ التَّقَادُ
فِي أَمُورِي، وَ الْخَشْيَةِ لَكَ، وَ الْخَوْفِ مِنْكَ،
وَ الْقُوَّةَ عَلَى مَا أَمَرْتَنِي بِهِ مِنْ طَاعَتِكَ، وَ
الاجْتِنَابَ لِمَا نَهَيْتَنِي عَنْهُ مِنْ مَعْصِيَتِكَ.

خدايا بر محمد و آتش رحمت فرست و مرا
عافيتي بنيازکننده و شفادهنده ببخش که
از دسترس بيماري‌ها و علت‌ها بالاتر و در
کشاکش عمر رو به فزونی باشد، عافيتی که
در بدنم توليد عافيت کند: عافيت در دنيا
و آخرت و انعام فرمای بر من به تندرستی
و امنيت و سلامت دين و بدن و بصيرت
قلب و پيشرفت در کار و بيم و هراس از
تو و قدرت بر انجام طاعتی که مرا به آن
فرمان داده‌ای و اجتناب از معصيتی که مرا
از آن نهی فرموده‌ای.

فرازهای دوم و سوم دعای ۲۳ صحیفه سجاده

برداشت و الهام آزاد
از اسماعیل فیروزی

داهد هشتاپه‌ها

دوست نوجوان من! همدکانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان خراسان رضوی با همکاری روزنامه هشت به‌سمت شما پرواز کرده تا شما پرنده‌های شجاع و زیبا را ببرد به کوه قاف. اگر شما هم به همدک کمک کنید، ما زودتر به آنجا می‌رسیم. پست الکترونیکی ما: hodhod8@kpf-khr.ir

دوست نوجوان من! آیا می‌دانی که بخش مکاتبه‌ای مرکز آفرینش‌های ادبی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، به نوجوانانی که نوشتن را دوست دارند کمک می‌کند تا بهتر از قبل بنویسند و با آثار شاعران و نویسندگان بزرگ، بیشتر آشنا شوند؟ این دوستی با نامه‌نگاری ادامه پیدا می‌کند. دوست داری یکی از این نامه‌ها را بخوانی؟ نامه عضو مکاتبه‌ای به مرکز آفرینش‌های ادبی

به نام نقش‌بند صفحه خاک

دوست عزیزم، سلام...
حالت چطور است؟ امیدوارم هر روز حالت بهتر از دیروز باشد و امیدوارم در زمستان هر دانه برفی که می‌آید، آمینی باشد بر آرزوهای شیرینت. من به گفته استاد کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان که گفتند: هر شب قبل از خواب حتی یک سطر نوشته از خودتان بنویسید عمل کردم و شروع به نوشتن کردم و واقعا از نوشتن لذت می‌برم. حالا برایتان یکی از خاطراتم را می‌فرستم.
خواهر کوچولوی من «متینا» یک‌ماهه بود که تصمیم گرفتیم او را به حرم مطهر امام رضاع ببریم. هوا سرد بود. مادرم او را لباس گرم پوشاند و توی یک پتوی زیبا پیچید. بعد بهمراه پدر و مادرم به حرم رفتیم. وارد حرم که شدیم، نقاره‌ها به صدا درآمدند.



پاسخ‌نامه مرکز آفرینش‌های ادبی به عضو:

«به نام خدایی که خوب و گل است»



«مسافر تو»
مثل پروانه در طواف بهار
خوش به حال کسی که زایر توست
خوش به حال کسی که وقت غروب
یا کریم دلش مسافر توست
خوش به حال پرندهای که پرش
روی گلدسته تو وا بشود
خوش به حال غریبه‌ای که دلش
با نگاه تو آشنا بشود
خوش به حال کسی که عشق تو را
بر دل و دیده تا ابد، بکشد
زیر آن آسمان روشن و گرم
گل کند، زیر نور قد بکشد

● شاعر: مریم اسلامی، از کتاب «نامه‌ات همین الان رسید» انتشارات کانون پرورش فکری



سلام و صد سلام به دوست خوبم که حالا می‌دانم اسم گُلش «متینا»ست. حالت چطور است؟ با روزهای برفی و زیبای زمستان خوش گذراندی؟ با آدم‌برفی‌ها دوست شدی؟ حواست به گنجشک‌ها و پاکریم‌های کز کرده کنار دودکش‌های گرم بخاری بود؟
از نوشته‌ات معلوم است که گرم و مشغول نوشتن هستی و چقدر هم خوب که متوجهی نوشتن یک مهارت است که به‌تدریج و با استمرار به‌دست می‌آید. از خاطره زیبایی که برایم ارسال کردی لذت بردم. آفرین به تو که آن‌ها را ثبت می‌کنی. بارها از نویسندگان صاحب اثر شنیده‌ام که حسرت خورده‌اند که کاش در دوره نوجوانی خاطراتشان را ثبت می‌کردند. خوب حالا می‌توانی خوش‌حال باشی که وقتی نویسنده صاحب اثر شدی، این غصه بر دلت نیست!
راستی می‌دانستی ایده یا فکر اولیه بسیاری از داستان‌ها از خاطرات نویسنده آمده است؟ اصلاً خاطرات خیلی مهم هستند. برای همین است که باید قدر دوره‌های ما و بودن در کنار جمع را بدانیم. این خاطره هم اگر به آن شاخ و برگ بیشتری بدهی، می‌تواند یک داستان شود.
این انترت را بعد از اصلاح دوباره برایم ارسال کن تا بتوانی در جشنواره بین‌المللی امام رضاع شرکت کنی. یادت باشد نام و نام خانوادگی، تاریخ تولد، نشانی دقیق منزل و شماره تلفن و نام مدرسه‌ات را هم بنویسی. نامه‌ات را به نشانی من ارسال کن (مشهد- صندوق پستی ۳۷۵-۹۱۷۳۵). می‌توانی سه داستان برای این جشنواره بفرستی. تو که به سرودن شعر علاقه‌مندی، در این بخش هم می‌توانی شرکت کنی. فقط شعر و داستان را در برگه جداگانه بنویس.
من که فکر می‌کنم همین‌که با موضوع امام مهربان چیزی می‌نویسم، پس برنده‌ام؛ چراکه همین نوشتن افتخار بزرگی است که نصیبمان شده است. اگر دوست داری در این باره داستان دیگری هم بنویسی، حتماً وقتی به حرم مشرف می‌شوی دقیق شو. اطراف پُر از ایده‌های داستانی است. از آینه‌کاری‌های جذاب حرم گرفته تا آدم‌هایی که به عشق حضرت آمده‌اند. در این باره زیاد کتاب بخوان.

مینیاجان هر کس به یک اندازه از امام روزی و بهره می‌گیرد و حتماً نباید این داستان‌ها با محوریت شفای بیماران باشد. فکر کنم موضوعات جذاب و متنوع بسیاری هستند که می‌توان از آن‌ها نوشت. پس فکرت را خوب باز کن و بعد بنویس.
چقدر نوشتیم و حرف زدیم... وقتی صحبت از حرم مطهر می‌شود، دلم پُر می‌کشد برای نوشتن و دوباره نوشتن. خوش به حال ما راستی مینیاجان قرار بود برایم از کتاب‌هایی که خواندی حرف بزنی. لطفاً در نامه بعدی‌ات فراموش نکن. من مجموعه شعر «نامه‌ات همین الان رسید» اثر خانم مریم اسلامی را خوانده‌ام. توصیه می‌کنم شما هم حتماً بخوانی.
منتظر پاسخ نامه‌ات هستم. در پناه خداوند باشی.

● دوست تو، در مرکز آفرینش‌های ادبی

خبر بد، هیچ چیز همیشگی نیست...
خبر خوب، هیچ چیز همیشگی نیست...

استاد بزرگ

آلارم گوشیم دیگه اشکش درمیاد تا من بیدار شم. امروز اومد زد سر شونم، گفت داداش اگه نمی‌خوای بیدارشی بزار منم په‌چرتی بزمن، صدام گرفت.

تنبل‌خان

من زاویه‌های مختلف رو برای عکس امتحان کردم. تو همه زاویه‌ها زشتم، دیگه وقتشه با حقیقت کنار بیام.

آقای همساده

یه رفیق دارم صدهزار تومن ازم می‌خواه، اونقدر که اون آگهی می‌فرسته و دنبال کاره برام، خودم دنبال کار نیستم.

تنبل‌خان

کاش می‌شد به ورزش فکر کنیم و کالری بسوزونیم.

تنبل‌خان

من همیشه حل مشکلاتم رو با «فعلن به‌جایی بریزم» شروع می‌کنم.

تنبل‌خان

من اگه پولدار بودم، فقط می‌خواهیدم، البته الانم که پولدار نیستم فقط می‌خواهم.

پسر تنبل‌خان

یه‌بار هم می‌خواستم با آکیپ بچه‌هایی که می‌رن کوه اشغال جمع می‌کنن، برم، بابام گفت لازم نکرده بری! تو از اتاق خودت شروع کن! دوستانت هم بگو بیان.

پسر تنبل‌خان

طرف ۲۰۶ رو زده به تیربرق، ماشین نصف شده. بعد به افسره می‌گه جناب سروان! یعنی اشتباه از من بوده؟ افسره می‌گه نه! فکر کنم علت حادثه خواب‌آلودگی تیربرق بوده!

خوشمزه‌خان

هشتکو

جایی برای خندیدن، شاد بودن و حرف‌های خوشمزه زدن است.

هشتکو

جایی برای خندیدن، شاد بودن و حرف‌های خوشمزه زدن است.

هشتکو

جایی برای خندیدن، شاد بودن و حرف‌های خوشمزه زدن است.



https://telegram.me/khosroanjom_majid